

علل گرایش به ترجمه کتاب‌های تاریخی در عصر قاجار (با نگاهی به جریان‌های عمده ترجمه در ایران)

پرویز حسین‌طلاتی*

لیلا نجفیان رضوی**

چکیده

سابقه ترجمه در ایران، به روزگار هخامنشیان می‌رسد که کتیبه‌ها را به زبان‌های دیگر می‌نوشتند. در ایران، سه دوره به داشتن نهضت ترجمه شهرت دارد: نخستین نهضت ترجمه در روزگار ساسانیان، به‌ویژه با تأسیس جندی شاپور، شکل گرفت. طبق منابع موجود، ترجمه‌های این دوره، کتب تاریخی را شامل نمی‌شده است. دومین نهضت، در اواخر سده دوم، با تأسیس بیت‌الحکمه، به نهایت شکوفایی خود رسید.^۱ در این دوره نیز با تأسی از حکمت و فلسفه یونانی، به ترجمه متون تاریخی توجهی نشد؛ تا اینکه به‌دنبال گسترش روابط ایران با کشورهای اروپایی، از دوره صفویه به بعد، نیاز به ترجمه بار دیگر ضرورت پیدا کرد. ولی در دوره قاجار بود که سومین نهضت ترجمه در پی شکست‌های ایران از روسیه، با ورود هیئت‌های نظامی و علمی خارجی در ایران، آغاز شد.

در این پژوهش، عوامل تأثیرگذار در توجه نویسندگان و مترجمان عصر قاجار به ترجمه کتب تاریخی و میزان تأثیرگذاری این امر در جذب و نزدیک‌سازی محققان و مخاطبان این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این مقاله ناظر بر این است که جنگ‌های ایران و روسیه، ترجمه اولین متون تاریخی را باعث شد. تأسیس دارالفنون، دارالترجمه، جریان شرق‌شناسی و کشفیات باستانی در ایران، ترجمه متون تاریخی و توجه به آن را به اوج شکوفایی تا آن زمان رساند؛ ضمن

* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) parviztalae@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۱

آنکه ترجمه کتاب‌های تاریخی، به تغییر متد تاریخ‌نویسی، توجه به تاریخ ایران باستان و آشنایی ایرانیان با افکار انقلابی منجر شد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه کتب تاریخی، دوره قاجار، دارالفنون.

مقدمه

محور اصلی بررسی در این نوشتار، علل گرایش به ترجمه کتاب‌های تاریخی در عصر قاجار و جریان‌های عمده نهضت ترجمه در ایران است؛ به عبارت دیگر، در این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع و ماهیت آن سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود: چه عواملی سبب شده است کتب تاریخی عصر قاجار در زمره نخستین کارهای ترجمه‌ای در دیدرس نویسندگان و مترجمان این دوره قرار گیرد و این امر تا چه اندازه توانسته است محققان و مخاطبانی را به این حوزه مشتاق و نزدیک سازد؟

درگیری ایران در رویدادهای منطقه‌ای و جهانی با شکل‌گیری سلسله قاجاریه از یک سو و گسترش روابط خارجی ایران از سوی دیگر، توجه اصلاحگران ایرانی را به لزوم تحول در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مخصوصاً علمی معطوف ساخت. در پی همین سیاست بود که در زمینه علمی، ترجمه متون اروپایی مخصوصاً متون تاریخی ضرورت پیدا کرد تا برای جبران عقب‌ماندگی اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، به غرب و دستاوردهای آنها متوسل شوند. این ترجمه‌ها از سوی دیگر باعث شد که نویسندگان ایرانی با روش تحقیق اروپاییان در نوشتن کتاب‌های تاریخی آشنایی پیدا کنند و خود به نوشتن کتاب‌های تاریخی به سبک جدید و جدای از سبک سنتی که تا آن موقع مرسوم بود، روی آورند.

در این مقاله، ابتدا به‌عنوان پیش‌درآمد، چگونگی نهضت‌های ترجمه قبل از سلسله قاجار، یعنی در عصر ساسانی و عباسیان، و گرایش این نهضت‌ها به ترجمه کتاب‌های تاریخی به اجمال بررسی می‌شود؛ و سپس، درباره نهضت ترجمه عصر قاجار و روی آوردن نخبگان به ترجمه کتب تاریخی اروپاییان - که هدف اصلی این پژوهش است - به‌طور مفصل بحث می‌شود (شایان ذکر است که در این نوشتار، تقسیم‌بندی نهضت‌های ترجمه براساس تأثیرگذاری آنها بر جامعه ایران در نظر گرفته شده و ذکر نهضت بیت‌الحکمه به این دلیل بوده که در این زمان ایران از لحاظ سیاسی مستقل نبوده و زیر سیطره عباسیان قرار داشته است).

دوره اول نهضت ترجمه: شکل‌گیری نهضت ترجمه در عصر ساسانیان

پیشینه ترجمه در ایران به روزگار هخامنشیان (۳۲۱-۵۵۹ ق.م) می‌رسد. وسعت این شاهنشاهی و ارتباطات گسترده آن با سرزمین‌های دیگر، ترجمه را امری بایسته ساخته بود. کتیبه‌های هخامنشیان معمولاً به سه زبان فارسی باستان، اکدی، و ایلامی نوشته می‌شده است (لوکوک، ۱۳۸۲؛ و کنت، ۱۳۸۴).

بعد از سقوط هخامنشیان توسط اسکندر، ایران به شدت تحت تأثیر راه‌آوردهای علمی، فلسفی و فرهنگی یونان قرار گرفت تا اینکه اردشیر بابکان پس از تسلط بر مشکلات داخلی، افرادی را به هند، چین و روم فرستاد تا از تمامی کتاب‌هایی که در این بلاد وجود دارد، نسخه‌برداری کنند. او حتی دستور داد کلیه رسالات پراکنده در عراق را نیز جمع‌آوری کنند. (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۳۷)؛ و به این ترتیب، بسیاری از بقایای تمدن‌های گذشته به ایران منتقل شد.

بعد از اردشیر، جانشین وی شاپور، کار او را دنبال کرد و دستور داد همه آثار و کتب انتقال‌یافته در عهد پدرش را به زبان پهلوی ترجمه کنند و در اختیار دانشمندان قرار دهند.

اما نهضت واقعی ترجمه، در دوران خسرو انوشیروان اتفاق افتاد. در این دوره، در مراکز علمی عصر ساسانیان، مانند سلوکیه، تیسفون و به‌ویژه جندی‌شاپور، آثار فراوانی از زبان‌های گوناگون متداول در آن روزگار همچون سانسکریت، یونانی، لاتینی، و سریانی به پهلوی ترجمه شد.

علاقه ساسانیان به دانش یونانی، رومی و غیره، تا اندازه‌ای نیز منبعث از ایدئولوژی سلطنتی زرتشتی بود که هر دانشی را نهایتاً برگرفته از اوستا می‌دید (دیمیتری، ۱۳۸۱: ۳۶) و با این سیاست، درصدد گردآوری بخش‌های پراکنده اوستا بودند.

در آغاز تمدن اسلامی، ترجمه‌های متعددی از کتب فلسفی و علمی یونانی به پهلوی موجود بود. (صفا ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۰۴). از نامدارترین آثاری که در این دوره ترجمه شد، باید به ترجمه پنجه‌تنتره یا کلیله و دمنه از سانسکریت به فارسی پهلوی اشاره کرد. (همایی، ۱۳۴۰: ۱۴۷-۱۴۶) با اینکه توجه به ترجمه کتاب‌های علمی توسط بعضی از شاهان ساسانی، محیط مساعدی را برای رشد و ترقی علم فراهم آورد، در هیچ یک از منابع موجود درباره عصر ساسانی، اشاره‌ای به ترجمه کتاب‌های تاریخی یونانی، هندی، ... به زبان پهلوی نشده است.

دوره دوم نهضت ترجمه: شکل‌گیری نهضت ترجمه در عصر عباسیان

در سال‌های نخستین ظهور اسلام، مسلمانان اهتمام خود را منحصرأ صرف فتوحات و اشاعه آیین جدید در سرزمین‌های فتح‌شده کردند؛ ولی پس از استقرار صلح و آرامش، اندیشه‌های علمی و عقلانی کانون توجه قرار گرفت. در دوران اموی، توجه به نقل و تدوین علوم بسیار ناچیز بود. منابع، نخستین ترجمه‌های دوره اموی را به درخواست خالد بن یزید می‌دانند. ابن ندیم آورده است:

چون خالد بن یزید علاقه به کیمیا و علوم طبیعی داشت، گروهی را مأمور کرد که کتاب‌های طب و نجوم و کیمیا را از زبان یونانی و قبطی به عربی به رایش ترجمه کنند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۴۶).

با پیدایش عباسیان، بازار علم و دانش رونق گرفت. نخستین گام در توجه به علوم، در زمان منصور عباسی برداشته شد. او برای درمان بیماری خود، جورجیس طیب را از جندی‌شاپور به نزد خود آورد. (تاریخ اسلام، کمبریج، ۴/ ۱۶۸ - ۱۶۷) و این امر، مقدمه‌ای برای آغاز ترجمه کتب یونانی بود. (روسو، ۱۳۴۴: ۱۱۸). دومین گام، در عهد هارون الرشید برداشته شد. او هنگامی که آنقره و چند شهر دیگر روم را گشود، تعدادی کتاب به بیت الحکمه فرستاد. (حموی، بی تا: ۱/ بخش ۲، ۵۸۶). بیشتر این کتاب‌ها به زبان یونانی بود؛ و هارون، پزشک خود یوحنا ماسویه را به ترجمه آنها گماشت. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۴۳۸).

نقطه اوج ترجمه در این عصر، در دوره خلافت مأمون بود. به دستور او، گروهی از مترجمان برجسته در بیت‌الحکمه گرد آمدند و تحت ریاست یوحنا ماسویه به امر ترجمه پرداختند. ابن ندیم به علم دوستی مأمون و گسیل مترجمان معروفی چون حجاج بن مطربن بطریق، حنین بن اسحاق و یوحنا بن ماسویه به سرزمین روم اشاره کرده و نوشته است: «... و آنان نیز سیل عظیمی از کتاب‌های یونانی و رومی را به جهان اسلام آوردند.» (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۴۴) پی‌یر روسو نیز به یکی از شرایط صلح مأمون با میشل سوم، بعد از غلبه بر او، مبنی بر واگذاری یک نسخه از تمامی کتب یونانی موجود در روم، اشاره کرده است. (روسو، ۱۳۴۴: ۱۱۸). بدین ترتیب، در دوره عباسی، با حمایت بعضی از خلفا و با درایت وزرای دانش‌پروری چون برامکه و آل نوبخت، بیشتر میراث فرهنگی گذشته، از کانون‌های علمی مطرح آن زمان به جهان اسلام منتقل شد. موضوع ترجمه‌های اسلامی، ابتدا کیمیا و طب بود؛ اما در ادامه، نهضت علمی اسلام به این دو اکتفا نکرد و به دیگر تحقیقات در علوم طبیعی، مابعدالطبیعه و دینی روی آورد. بدین ترتیب کتب مقدس، انجیل، آثار مانوی

و زرتشتی نیز که در شکل‌گیری علوم دینی مسلمانان سهمی به‌سزا داشت، ترجمه شد (مدکور و سعادت، ۱۳۶۵: ۸۷). با این حال، سیر ترجمه علوم یونانی، رومی، ... در این دوره، کتاب‌های تاریخی این ملت‌ها را در بر نمی‌گرفته است. بایست اذعان کرد که این مهم، برگرفته از حکمت و فلسفه ارسطو و پیروان مکتب او بود که برای تاریخ اهمیت چندانی قائل نبودند؛ چنان‌که در تقسیم‌بندی علوم که بیشتر دانشمندان اسلامی در قرن‌های سوم و چهارم، انجام دادند نیز جایگاهی علمی برای تاریخ در نظر گرفته نشده است. از آن جمله می‌توان به تقسیم‌بندی علوم در احصاءالعلوم ابونصر فارابی اشاره کرد (فارابی، ۱۳۴۸: ۴۰ - ۳۹). از دانشمندان دیگری نیز که در قرون بعدی این تقسیم‌بندی را در شیوه‌ای متکامل‌تر و پیشرفته‌تر انجام دادند، امام محمد غزالی است که متأثر از فلسفه یونانیان، در نهایت تاریخ را جزو علوم مباح غیرشرعی آورده است (غزالی، ۱۳۶۴: ۱۰۰ - ۹۰).

اما نکته قابل توجه در نهضت ترجمه در این دوره، تلاش مترجمان هر قوم در ترجمه آثار خود به زبان عربی است؛ بدین معنی که هر یک از اقوام سعی می‌کردند آرا و عقاید خود را زودتر از دیگران در میان مسلمانان رواج دهند. در این میان، تنها ایرانیان بودند که آثار تاریخی خود را نیز به عربی ترجمه می‌کردند (جرجی زیدان، بی تا: ۵۸۱). چون بحث گسترده درباره نهضت ترجمه در دوره ساسانیان و عباسیان در حاشیه موضوع اصلی پژوهش است، به همین مختصر بسنده می‌شود.

دوره سوم نهضت ترجمه: شکل‌گیری نهضت ترجمه در عصر قاجار و ترجمه کتب تاریخی

با ظهور دولت صفوی، بخش وسیعی از ایران قدیم به فرمان دولتی واحد درآمد و اساس وحدت ملی ایران که با سقوط ساسانیان دچار سستی شده بود، بار دیگر استحکام یافت و جان تازه‌ای به هویت ایرانی بخشید. در این دوره، ایران به‌عنوان یک بازیگر عمده در سیاست منطقه‌ای ظاهر شد و اروپاییان ایران را به‌عنوان یک واحد سیاسی مستقل شناختند. البته در این خصوص، وجود امپراتوری عثمانی مؤثر بود؛ زیرا هر قدر دولت عثمانی دنیای مسیحیت را تحت فشار و تهدید قرار می‌داد، اروپاییان برای برقراری ارتباط با ایران تمایل بیشتری نشان می‌دادند. در پی همین ارتباط با کشورهای اروپایی بود که نیاز به ترجمه احساس شد.

اما در دوره قاجار بود که نهضت واقعی ترجمه به‌منصه ظهور رسید و جریان ترجمه توانست تأثیر زیادی بر رشد تولید علم داشته باشد.

پس از یک دوره بی‌ثباتی سیاسی در ایران (بعد از انقراض سلسله صفویه)، با روی کار آمدن سلسله قاجار (که از ۱۷۹۴ م. / ۱۲۰۹ هـ.ق تا ۱۹۲۵ م. / ۱۳۰۴ ه.ش. حکومت کردند)، ثباتی ظاهری در جامعه ایرانی برقرار شد. در این عصر، ایران با قدرت‌های بزرگ، از جمله انگلیس، روسیه و فرانسه، ارتباطات وسیعی پیدا کرد. در این زمان، اروپا توانسته بود به قدرت بسیار زیادی دست یابد؛ اما ایران در همان حد جامعه سنتی خویش باقی مانده بود. (بهنام، ۱۳۷۵: ۶۵)

جنگ‌های ایران و روسیه، آغازگر دوران جدید روابط ایران با اروپا بود. اصلاحات و پرداختن به ترجمه، در تاریخ معاصر ایران، در قالب اقدامات عباس میرزا تبلور یافت. آنچه تفکر پاره‌ای اصلاحات را در اندیشه عباس میرزا فرمانده کل قوای ایران در مقابل سپاهیان روسیه به وجود آورد، رویارویی دو سپاه ایران و روسیه در جنگ‌های زنجیره‌ای بین دو کشور و مشاهده سپاهیان مجهز روسیه بود؛ چراکه در این جنگ‌ها، نیروهای روسی به دلیل داشتن نظم نظامی و فنون جدید با تعداد افراد کمتر، توانستند ایرانیان را شکست دهند. عباس میرزا پس از آشنایی با هیئت فرانسوی (که به دنبال بستن قراردادهایی میان دو کشور به ایران آمده بودند)، در پی کشف عامل اصلی عقب‌ماندگی ایرانیان برآمد. از دیدگاه عباس میرزا، علت ترقی فرنگ، وجود امپراتورانی مانند ناپلئون و پطر کبیر بود؛ بنابراین، دستور داد کتاب‌هایی درباره اقدامات این امپراتوران بزرگ ترجمه شود، چراکه تصور می‌کرد می‌تواند نقش پطر کبیر و ناپلئون را برای ملت ایران ایفا کند. (زیباکلام، ۱۳۷۴: ۳۵) با ترجمه متون اروپایی، روزنه‌ای از معارف جدید به روی ایرانیان باز شد؛ ضمن آنکه اعزام محصل به غرب و آشنایی با علوم و فنون غربی، از دیگر اقدامات عباس میرزا برای ترقی ایران بود (هاشمیان، ۱۳۷۹: ۹) و به همت او چند تن از محصلان ایرانی در دوره فتحعلی شاه به انگلستان اعزام شدند تا علوم و فنون روز را فرا گیرند. (نیلی، ۱۳۸۳: ۲۰۸ - ۲۰۷). صنعت چاپ، همگام با دیگر اقدامات نوگرایانه عباس میرزا، در شهر تبریز ایجاد شد؛ و پس از ده سال صنعت چاپ در تهران نیز دایر شد. این اقدام نیز نقش مؤثری در چاپ کتب ترجمه‌ای - که بیشتر آنها کتاب‌های نظامی و تاریخی بودند - ایفا کرد. از میان کتب تاریخی که به دستور عباس میرزا ترجمه آن آغاز شد، علاوه بر کتاب پطر کبیر اثر ولتر که میرزا رضا مهندس‌باشی از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد، می‌توان به کتبی همچون شارل دوازدهم تألیف ولتر، تاریخ اسکندر، تاریخ ناپلئون، تاریخ انقلاب کبیر فرانسه، علل انحطاط و سقوط امپراتوری روم اثر گیون که میرزا رضا مهندس

آن را با عنوان تاریخ تنزل و خرابی دولت روم ترجمه کرد (آدمیت، ۱۳۶۴: ۱۹) اشاره کرد. (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۶۰)

ترجمه متون تاریخی، سیاسی و نظامی در عصر عباس میرزا را بیشتر اروپاییان یا ارمنی‌ها که به زبان فارسی محاوره‌ای آشنایی داشتند، ترجمه و منشیان و ادیبان ایرانی انشا می‌کردند؛ و این تا زمانی ادامه داشت که عده‌ای از ایرانیان ضمن مسافرت به اروپا با زبان‌های خارجی آشنا شدند و خود مستقلاً کتب خارجی را ترجمه می‌کردند. در واقع ترجمه متون خارجی را به‌طور عمده خود ایرانیان پس از تأسیس دارالفنون انجام دادند.

هنگامی که امیرکبیر به صدارت رسید، برخلاف عباس میرزا که تنها راه تحول در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را توسل به اروپاییان می‌دانست درصدد برآمد که به‌جای اعزام محصل به خارج یا دست‌کم ضمن اعزام محصل به خارج، در داخل کشور نیز کانون‌های آموزشی تأسیس کند. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۱۳۵) بنابراین، به ایجاد دستگاه تأسیس دارالفنون و مترجمان دولتی اقدام کرد؛ که با این اقدامات، ترجمه و نشر کتاب رونق بیشتری گرفت. امیرکبیر پس از تأسیس دارالفنون، درکنار دعوت از معلمان اروپایی برای تدریس و عده‌ای مترجم برای ترجمه مطالب، تعدادی از اروپاییان صاحب علم و معلمان ایرانی آشنا به زبان خارجی و علوم مختلف را نیز به‌کار گماشت. (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۶۲) از آنجا که تأسیس دارالفنون به‌دنبال شکست‌های ایران از روسیه و در راستای ساماندهی، تقویت علمی و تجهیز نیروی نظامی ایران بود، بالتبع در ابتدا مواد درسی مرتبط با دانش‌های نظامی در آن تدریس می‌شد. یکی از این دروس، تاریخ نظامی بود که کرزیر معلم اتریشی دارالفنون آن را تدریس می‌کرد (همان: ۳۶۴).

در همین دوره، ضمن تلاش‌هایی که در زمینه تاریخ‌نویسی در دارالفنون انجام می‌گرفت (اردکانی، ۱۳۷۰: ۱ / ۳۰۹)، امیرکبیر دستور خرید کتبی تاریخی از فرانسه، برای ترجمه و استفاده در ایران، را نیز به جان داوود ابلاغ کرد (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۷۵). بدین ترتیب، تأسیس دارالفنون و حضور معلمان اروپایی، باعث تدریس برخی از علوم غربی در این مرکز آموزشی شد و چون اکثر آثار به زبان غیرفارسی بود، اولین نسل مترجمان ایرانی در دارالفنون تربیت شدند. ترجمه آثار تاریخی فرانسه، روسیه و انگلیس، از عمده‌ترین اقدامات این مترجمان بود. (راوندی، ۱۳۵۶: ۱ / ۵۳۲). بنابراین، اگرچه پیش از این دوران نیز نهضت ترجمه در ایران پای گرفته بود و کتب تاریخی متعددی در زمان عباس میرزا ترجمه شده بود، به‌طورکلی شاهان بعدی از مسئله ترجمه و روآوردن به ترجمه کتب تاریخی اروپایی حمایت کردند و این مسئله، با تأسیس مدرسه

دارالفنون و سپس دارالترجمه‌ای تحت نظارت ناصرالدین‌شاه به باروری رسید. البته ترجمه متون تاریخی به زبان فارسی برای تدریس در مدرسه سیاسی، پس از تأسیس این مدرسه، این امر را به اوج کمال خود رساند؛ زیرا در این مدرسه که با هدف تربیت کارمندان درس خوانده برای وزارت خارجه - و درضمن توجه دولتمردان ایران به روابط بین‌الملل - تأسیس شد^۲ از همان آغاز درس تاریخ حتی جزء یکی از موارد امتحان ورودی قرار گرفت (مستوفی، بی‌تا: ۶۷/۲). باید اذعان کرد که نهضت ترجمه در دوران ضعف سیاسی و عقب‌ماندگی نظامی و اقتصادی ایران رخ داد و با نوعی احساس خودباختگی در گفت‌وگوی تمدنی همراه بود و این امر راه هرگونه نقد یا حتی تردید در عناصر فرهنگ غربی را بست. چنان‌که اشاره شد، درمیان آثار ترجمه شده، کتاب‌های تاریخی و تراجم احوال در صدر قرار داشت و این خود به دلایل مختلفی بود که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- رونق و گسترش ترجمه کتاب‌های تاریخی در ایران عصر قاجار به میزان زیاد نتیجه تحولات عمومی و روند دگرگونی‌های علمی و سیاسی و اجتماعی بوده است؛ دگرگونی‌هایی که عمدتاً ناشی از آشنایی ساختارهای جامعه با نهادهای جدید تمدنی و استقرار آن در ایران بود. درواقع باید گفت که برخورد نظامی و فرهنگی ایران با غرب در دوره قاجاریه، تبعات و آثاری برای کشور به‌بار آورد و برخی از درباریان قاجار - به‌خصوص عباس‌میرزا که شاهد ناکامی ایران در جنگ با روسیه بود - تلاش عمده‌ای برای فراگیری علوم جدید صورت دادند؛ و به‌دنبال همین سیاست بود که به ترجمه کتاب‌های تاریخی که اکثر آنها سرگذشت مردان بزرگ و تاریخ انقلاب‌های اروپایی را شامل می‌شد، روی آوردند که این روند با تأسیس دارالفنون رو به افزایش نهاد.

- همان‌طور که در مطالب پیشین عنوان شد، قبل از عصر قاجار، توجه به تاریخ و ترجمه کتب تاریخی ملل دیگر به‌ندرت مشاهده شده است. اما در دوره قاجار، از طرفی به دلیل ارتباطات گسترده‌ای که در این زمان ایران با اروپا پیدا کرد (با فرستادن محصلان ایرانی برای کسب علوم و فنون از اروپا) و از طرف دیگر به دلیل تأسیس دارالفنون و تدریس تاریخ نظامی در آن، روشنفکران و اصلاح‌گران به تاریخ توجه کردند و مترجمان به ترجمه کتب تاریخی اروپاییان همت گماشتند. این علاقه به ترجمه کتاب‌های تاریخی تا جایی پیش رفت که حتی اکثر این مترجمان (مانند اعتمادالسلطنه) خود نیز به روش و سبک جدید، جدای از سبک مرسوم و سنتی تاریخ‌نویسی در ایران، کتاب‌های تاریخی تألیف کردند. (فرمانفرمائیان، ۱۳۶۰: ۱۲۰؛ آدمیت، ۱۳۴۶: ۲۰)

- مدیر دارالترجمه، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه بود که به آثار تاریخی علاقه زیادی داشت و خود نیز مورخ بود. وی از محصلین قدیمی دارالفنون بود که مدتی نیز وابسته نظامی ایران در پاریس بود. او پس از بازگشت به ایران، به عنوان مترجم رسمی شاه انجام وظیفه می کرد و هنگامی که به عنوان وزیر انطباعات دولتی و رئیس دارالترجمه همایونی منصوب شد، منشأ خدمات فرهنگی بی شماری شد (قشمی، ۱۳۸۰: ۷۰-۶۹). تا جایی که در میان اخبار نشریات آن دوره، از یاری رساندن او به مترجمان و مؤلفان قدردانی شده است (قاسمی، ۱۳۷۹: ۱۷۹-۱۷۸). او با استخدام تعداد زیادی مترجم با حقوق بسیار گزاف، کتاب های تاریخی بسیاری، از عهد باستان گرفته (که شرق شناسان نوشته بودند) تا کتاب های تاریخی دیگر اروپاییان را به فارسی ترجمه کرد (همان: ۱۹۳-۱۸۵). در این باره گفته اند که بسیاری از کتاب هایی که به نام او شهرت یافته، اثر دیگران و به خصوص اعضای انجمن دارالتألیف و دارالترجمه است (خان ملک سامانی، ۱۳۳۸: ۱۷۵-۱۷۴؛ قزوینی، ۱۳۲۷: ۵۸).

- از جمله عوامل دیگری که در توجه به ترجمه کتاب های تاریخی تأثیر به سزایی داشت، باید به جریان شرق شناسی اشاره کرد. روابط ایران و اروپا که در دوره های سلسله های قبل از قاجار شروع شده بود، با آغاز سلطنت این سلسله، گسترده تر شد. با افزایش این ارتباطات، نیاز به مطالعه و شناخت ایران برای اروپاییان بیشتر احساس شد. در پی همین نگرش بود که اروپاییان، شرق شناسی و به ویژه ایران شناسی را دنبال کردند. شرق شناسان و از جمله ایران شناسان عمدتاً تحت افکار کلیسا و استعمار بودند. آنها این افکارشان را بیشتر در کارهای تحقیقی خود نشان می دادند؛ به همین دلیل خاورشناسان در بررسی تمدن های شرقی با استفاده از متدها و ابزارهای جدید پژوهش و نیز با استفاده از باستان شناسی به عنوان ابزار فنی شرق شناسی، بسیاری از جنبه های تمدن اساطیری و باستانی ایران را از غبار قرون خارج ساختند. کشفیات تاریخی، خواندن کتیبه های باستانی و سفرنامه های اروپاییان، اطلاعات گرانبهایی از تاریخ و جغرافیا و احوال محلی ایران را دربر داشت (آدمیت، ۱۳۶۴: ۲۲-۲۱). بنابراین از سویی روی آوردن شرق شناسان به شناخت تاریخ گذشته ایران و از سوی دیگر ملموس بودن عقب ماندگی ایران از کشورهای اروپایی در نزد روشنفکران و اصلاح گران، باعث شد که کتاب هایی که شرق شناسان درباره تاریخ ایران باستان نوشته اند، به فارسی ترجمه شود. این سیاست در پی انتقال این اندیشه به ایرانیان بود که ما گذشته باشکوه و با عظمتی داشته ایم و باید اکنون نیز به سوی همان پیشرفت و شکوهی که در گذشته و درین جهانیان داشته ایم، برسیم. در واقع باید اذعان کرد که ایرانیان

فاقد اسلوب و روش‌های جدید پژوهش بودند و خود را نیازمند یافته‌های شرق‌شناسی می‌دیدند و دانسته‌هایشان در باب مسائل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خود، فرسنگ‌ها از علم شرق‌شناسی عقب‌تر بود؛ بنابراین، از نتایج تحقیقات شرق‌شناسان استفاده کردند و در ضمن استفاده، بدون شک تحت‌تأثیر مبادی فکری و نگرش آنان به تاریخ ایران باستان قرار گرفتند، تا جایی که می‌توان گفت نخستین روشنفکران ایرانی، ضمن پرداختن به ترجمه این آثار، خود نیز تا حدّ زیادی تحت‌تأثیر شرق‌شناسان و آثار آنان قرار گرفتند و به کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کردند. حتی اولین کتاب‌ها درباره ایران باستان، مثل نامه خسروان جلال‌الدین میرزا و تا اندازه بیش‌تری آینه سکندری آقاخان کرمانی که از نتیجه تحقیقات رالینسون در باب تاریخ ایران و ترجمه کتیبه‌های باستانی استفاده کرده است با بهره‌گیری از این آثار به‌رشته نگارش درآمده‌اند.

در این دوره به‌طورکلی افق تفکر تاریخی تا اندازه‌ای ترقی کرد و در مفهوم و متد تاریخ، تغییراتی حاصل شد و به معایب تاریخنگاری سنتی نیز پی برده شد. علاوه بر همه اینها، علاقه و توجه خاصی به تاریخ ایران باستان پیدا شد که خود معمول رواج تفکر ناسیونالیستی بود. روی هم رفته، انعکاس تحول در عرصه تاریخنگاری ایران که در نتیجه عوامل فوق ایجاد شد را می‌توان در روآوردن روشنفکران و محققان این دوره به نوشتن کتاب‌های تاریخی دید که در زیر به نام تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

نامه خسروان از جلال‌الدین میرزا، تاریخ ایران از صنیع‌الدوله، درالتیجان فی تاریخ بنی‌اشکان از اعتمادالسلطنه (همان صنیع‌الدوله سابق)، تاریخ سوانح افغانستان از اعتضادالسلطنه، تاریخ مفصل افغانستان از مؤدب‌السلطان، تاریخ کلسه و آشور از لسان‌السلطنه، تاریخ ملل مشرق از مترجم‌السلطنه، تاریخ ایران از قبل از میلاد تا قاجاریه از محمدحسین فروغی، تاریخ ایران از عطاءالسلطنه، تاریخ یونان از نصرت‌السلطان، ...

هرچند اغلب این آثار در حکم ترجمه بود، اعتبار واقعی آنها در این است که نویسندگان سنت تاریخ‌نویسی را کم‌وبیش کنار گذاشتند و این کتاب‌ها از نظر سبک و موضوع و ماهیت، ربطی به امثال *روضه‌الصفاء* و *ناسخ‌التواریخ* ندارد (همان: ۲۳).

با آنکه ارتباط مردم ایران با دنیای غرب گسترده نبود، محدودیت، به‌طور کامل، مانع از آشنایی ایرانیان با نهضت‌های بزرگ اجتماعی و فکری موجود در جهان نشد. یکی از مؤثرترین راه‌های انتقال تحولات جهانی در اوضاع آن زمان، ترجمه و انتشار کتاب‌ها - مخصوصاً کتاب‌های تاریخی بود که به پیشبرد روند آشنایی ایرانیان با افکار انقلابی کمک

شایانی کرد و حتی می‌توان گفت که به‌طور غیرمستقیم در جریان شکل‌گیری جنبش مشروطه (۱۳۲۹ - ۱۳۲۳هـ.ق) نیز نقشی مهم ایفا کرد.

در انتها، فهرست بعضی از کتاب‌های تاریخی که به‌دنبال تغییر نگرش در توجه به تاریخ و درطول نهضت سوم ترجمه، معلمان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون و دیگر مترجمان دارالطباعه، آنها را از زبان‌های فرانسه، انگلیسی و روسی، درباره‌ی اکثر کشورهای غربی و بعضی از ممالک آسیایی، به فارسی ترجمه کردند، با همراه نام مترجم، ارائه می‌شود:

تاریخ جدید اروپا، ماردروس؛ تاریخ روسیه، میرزا آبکار؛ تاریخ روسیه، محمود افشار؛ شرح حال الکساندر اول، ماردروس؛ تاریخ سلطنت نیکلا، ریشاردخان؛ شرح حال الکساندر اول، دکتر پلاک؛ تاریخ ویلهلم اول، محمود افشار؛ وصیت‌نامه‌ی پترکبیر (ترجمه؟)؛ تاریخ ناپلئون، رضاقلی؛ تاریخ ناپلئون و کنفرانس صلح اروپا (ترجمه؟)؛ تاریخ ناپلئون، میرزارضا مهندس؛ تاریخ سنت‌هلن، محمدطاهر میرزا؛ جنگ آلمان و فرانسه (ترجمه؟)؛ جنگ فرانسه و پروس، محمد مهدی؛ محاصره‌ی پاریس، رضاخان پسر ریشاردخان؛ سرگذشت ژاندارک، پطروس روسی؛ لویی چهارم، محمدطاهر میرزا؛ لویی پانزدهم، محمدطاهر میرزا؛ تاریخ انگلستان، اسماعیل پسر صحاف‌باشی؛ تاریخ انگلیس، شیخ‌رضا برادر شیخ‌محسن خان؛ فردریک کبیر، اسماعیل پسر صحاف‌باشی؛ جنگ چین و اروپا، ایضاً؛ تاریخ هندوستان، ایضاً؛ تاریخ تبت، ایضاً؛ تاریخ کرت، محمدجعفر قراچه‌داغی؛ تاریخ سلاطین عثمانی، محمدحسن؛ تاریخ قرون وسطی، دکتر احمدخان عمادالملک؛ تاریخ ازمنه‌ی قدیمه‌ی شرق و یونان و روم، ایضاً؛ تاریخ یونان، سید علیخان؛ تاریخ فرانسه، میرزاآقا (همان: پاورقی ص ۲۱۱)؛ تاریخ ایران سرجان ملکم، تاریخ مختصر ایران به‌قلم مارخام؛ ترجمه‌ی کتیبه‌ی بیستون، هنری راولینسون.

نتیجه‌گیری

از پژوهش موجود چنین برمی‌آید که نهضت ترجمه‌ی اول (عصر ساسانیان) و نهضت ترجمه‌ی دوم (عصر عباسیان)، به‌خصوص در عصر ساسانیان، ترجمه‌ی کتاب‌های تاریخی را در برنمی‌گرفته است. گرچه در دوره‌ی نهضت ترجمه‌ی دوم، تعدادی از کتاب‌های تاریخی ایرانیان به عربی ترجمه شد، در مجموع ترجمه‌ی کتاب‌های تاریخی رواج چندانی نیافت. این روند در تاریخ ایران کماکان ادامه داشت تا اینکه به‌دنبال گسترش روابط با کشورهای اروپایی که از دوران صفویه آغاز شده و در دوران قاجاریه به اوج خود رسیده بود توجه روشنفکران و محققان به ترجمه‌ی کتاب‌های تاریخی معطوف شد.

در دوره قاجار و در شرایطی که اروپا پس از انقلاب صنعتی، به سرعت قله‌های ترقی و پیشرفت را یکی پس از دیگری درمی‌نوردید، ایران همچنان مسیر سنتی خود را طی می‌کرد و به دلیل جایگاه ژئوپولیتیکش، در تماس دائمی با غرب قرار گرفت. در پی شکست‌های ایران از روسیه، بسیاری از مردان سیاست و نخبگان به فکر اصلاح‌طلبی و تجددخواهی افتادند و این فکر آنها را متوجه لزوم اخذ علوم و فنون مدنیت جدید ساخت. در همین راستا، روشنفکران دریافتند که یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت و ترقی جوامع، درکنار گسترش آموزش و پرورش، رشد آگاهی مردم از اخبار و تحولات جهان است. همین امر باعث ورود صنعت چاپ به ایران، تأسیس دارالفنون و دارالترجمه و به دنبال آن مدرسه سیاسی شد. دیری نپایید که ترجمه به سمت رشته‌هایی چون تاریخ، سیاست، ادبیات و غیره کشیده شد و بخشی لازم از برنامه‌های گوناگون نوسازی شد. بدین ترتیب، تعداد زیادی از کتاب‌های تاریخی اروپایی از طریق ترجمه در دسترس ایرانیان قرار گرفت. شایان ذکر است که موضوع بیشتر کتاب‌های ترجمه‌شده در این دوره، درباره شخصیت‌های سیاسی تأثیرگذار و تاریخ نهضت‌های مهم اروپایی بود که می‌توان گفت این آثار، نقشی مهم و غیرمستقیم در تحولات اجتماعی بعدی در ایران، مانند جنبش مشروطیت ایفا کرد. همچنین به دنبال گسترش روابط ایران عصر قاجار با اروپاییان، نیاز به شناخت ایران در صدر برنامه‌های شرق‌شناسان اروپایی قرار گرفت. این امر بیشتر ناشی از استعمار و کلیسا بود. در پی این سیاست بود که با استفاده از متدهای باستان‌شناسی، رموز کتیبه‌ها و خطوط باستانی ایران کشف شد. بنابراین، از سویی روی آوردن شرق‌شناسان اروپایی به تاریخ ایران باستان و از سوی دیگر ملموس بودن عقب‌ماندگی ایران از کشورهای اروپایی در نزد روشنفکران و اصلاح‌گران، باعث شد که به ترجمه کتاب‌هایی که شرق‌شناسان درباره تاریخ ایران باستان نوشته‌اند، اقدام شود؛ و به دنبال همین ترجمه کتاب‌های تاریخی بود که بعضی از محققان و مترجمان به ارزش و جایگاه علم تاریخ پی بردند و دریافتند که می‌توان تاریخ را به سبک و شیوه‌ای جدید، جدای از سبک سنتی که تاریخ سیاسی و سرگذشت شاهان را در برمی‌گرفت، نوشت و با توجه به نگرشی که شرق‌شناسان اروپایی در تألیفاتشان راجع به تاریخ ایران باستان داشتند، اکثر مؤلفان کتب تاریخی به نوشتن در حوزه تاریخ، مخصوصاً تاریخ ایران باستان، روی آوردند و در این زمینه کتاب تألیف کردند. می‌توان گفت روشنفکران ایرانی با ترجمه و تألیف کتاب در زمینه ایران باستان کوشیدند ایرانیان را با عنایت به گذشته شکوهمند خود، متوجه عقب‌افتادگی‌شان کنند و از این آثار به عنوان ابزاری برای توسعه کشور و انسجام فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بهره گیرند.

پی‌نوشت

۱. شایان ذکر است که تقسیم‌بندی نهضت‌های ترجمه در این نوشتار، براساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این نهضت‌ها در روند ترجمه و نیز قدرت سیاسی حاکم بر سرزمین ایران صورت گرفته است؛ به‌عنوان نمونه، در طی دومین نهضت ترجمه (دوره عباسیان) - هر چند که در حوزه جهان اسلام به‌شمار می‌رود ایران قدرت سیاسی واحدی نداشته و زیر سیطره عباسیان قرار داشته است و ما تأثیر این نهضت را در ایران‌زمین - چنان‌که در مقاله آمد شاهدیم.
۲. برای بررسی تاریخچه مدرسه سیاسی، ← پهلوان، ۱۳۶۸، ۵۰۶ - ۳۲۷.

منابع

- ابن ندیم (۱۳۶۶). *الفهرست*. ترجمه محمد رضا تجدد، ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۴). «انحطاط تاریخنگاری در ایران»، *مجله سخن*، ش ۱۹۱.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷). *امیرکبیر و ایران*، ج ۸. تهران: خوارزمی.
- اردکانی، محبوبه (۱۳۷۰). *تاریخ مؤسسات جدید تمدنی در ایران*، ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*، ج ۱، چ ۴. تهران: زوار.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: فرزانه.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۶۸). *حقوق اساسی و مدرسه علوم سیاسی*، تهران: ناشر مؤلف.
- تاریخ اسلام کمبریج* (۱۳۸۱). احمد آرام، ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- جرجی زیدان (بی‌تا). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- حموی، یاقوت (بی‌تا). *معجم البلدان*. ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: بخش ۲، میراث فرهنگی.
- خان‌ملک ساسانی، احمد (۱۳۸۳). *سیاستگران دوره قاجار*، تهران: بی‌نا.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس)*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، ج ۱، تهران: روزنامه ایران.
- دیمیتری، گوتاس (۱۳۸۱). *تفکر یونانی نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی (قرن‌های دوم تا چهارم)*. ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز دانشگاهی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۶). *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: امیرکبیر.
- روسو، پی‌یر (۱۳۴۴). *تاریخ علوم*، ترجمه حسن صفاری، تهران: امیرکبیر.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۴). *ما چگونه ما شدیم*، تهران: روزنه.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶). *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۱، تهران: فردوسی.
- غزالی (۱۳۶۴). *احیاء علوم‌الدین*، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر محمدبن محمد (۱۳۴۸). *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیو‌جم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۱۴ علل گرایش به ترجمه کتاب‌های تاریخی در عصر قاجار ...

- فرمانفرم‌نایان، حافظ (۱۳۶۰). «تاریخ‌نگاری ایران در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی»، در *تاریخ‌نگاری در ایران: مجموعه مقالات*، یعقوب آژند، تهران: [بی‌نا].
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بنیان و پیشروان*، چ ۱، تهران: نشر دانشگاهی.
- قاسمی، سید فرید (۱۳۷۹). *مشاهیر مطبوعات ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قزوینی، محمد (۱۳۲۷). *وفیات معاصرین*، تهران: یادگار.
- قشمی، کامبیز (۱۳۸۰). *تاریخچه ترجمه زبان فرانسه در ایران و مروری بر علم ترجمه و تحولات آن*، تهران: مؤسسه انتشاراتی حکایت.
- کنت، رولاندگ (۱۳۸۴). *فارسی باستان (دستور زبان، متون، واژه‌نامه)*، بی‌جا: پژوهشکده زبان و گویش، با همکاری اداره کل امور فرهنگی.
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۲). *کتیبه‌های هخامنشی*، بی‌جا: فرزانه.
- مدکور، ابراهیم؛ سعادت، اسماعیل (۱۳۶۵). «نهضت ترجمه در جهان اسلام»، *برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۳)*، درباره ترجمه، زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مستوفی، عبدالله (بی‌تا). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه*، ج ۲، چ ۳، تهران: زوار.
- مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۸۵). *احسن‌التفاسیم فی معرفه‌الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی، چ ۲. تهران: کومش.
- هاشمیان، احمد (۱۳۷۹). *تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون*، تهران: سحاب.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۴۰). *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: فروغی.